

عمرانی سه، پنج و هفت ساله تنظیم کرد. افسوس که هم تشخیص دردشان و هم روش درمانشان اشتباه است. اشتباهی که به کرات تکرار شده، بسیار نیرو تلف کرده و ناکامی بسیار بهار آورده است. حال آنکه شرط اول گام نهادن در راه توسعه آنست که يك سازمان حکومتی و اداری اجرائی صحیح، درستکار و منظم وجود داشته باشد. خمیرمایه و مصالح اصلی این بنیاد نو، انسانهای نو هستند که پیش از هر چیز باید از آنها سخن گفت.^۱

«الکس اینکلس» (Alex Inkeles) می گوید:

«انسان نو، دو جنبه دارد:

۱- جنبه خارجی که به محیط زندگی او مربوط است. مانند نظام تعلیم و تربیت، نظام ارتباطات همگانی، فرایند شهری شدن و...

۲- جنبه داخلی که به نگرشها، ارزشها، احساسات و خصوصیات او مربوط است. مانند آمادگی برای تجربیات تازه، استعداد برای نوآوری، آزاداندیشی، توجه به حال و آینده بیش از گذشته، تمایل به برنامه ریزی و سازماندهی، تلاش در تسلط کارآمد بر محیط، اعتماد به مردم و نهادهای اطراف خویش، احترام به افراد و حیثیت انسانی آنان، اعتقاد به علم و تکنولوژی، اعتقاد به عدالت و داشتن نظراتی نه تنها درباره مسائل موجود در محیط و خارج از محیط.^۲

انسان نورانی نباید با انسانی که رفتارهایش باب روز است اشتباه گرفت. اهم عوامل مؤثر در نو شدن انسانها عبارت است از: وسایل ارتباط جمعی، دولت، دستگاه اداری، نهاد، احزاب، آموزش، محیطهای شهری و کاری و مذهب که در میان آنها، آموزش نقش اول را بازی می کند. در همین زمینه «مک کله لند» (D. McClelland) می گوید:

«وجود تعدادی از انسانهای ویروس ذهنی (= انگیزش و نیاز به نوسازی) را در جامعه پخش خواهد کرد و بدینگونه بر تعداد انسانهای نو افزوده خواهد شد و در نهایت جامعه به توسعه یافتگی خواهد رسید.

مورد دیگری از انسانهای نو که اختصاصاً در زمینه اقتصادی معنی می دهد، تربیت کارآفرینان (entrepreneur) در بخش اقتصادی جامعه است. «مک کله لند» می افزاید: کارآفرینان افرادی هستند که يك بنگاه اقتصادی ایجاد می کنند و یا ظرفیت تولیدی بنگاه موجود را افزایش

آموزش برای توسعه

■ وحید محمودی نورآبادی

■ آموزش توسعه ای چیست؟

آموزش توسعه ای یا آموزش برای توسعه (Education for Development) واژه و مفهوم جدیدی است که به تازگی مورد توجه صاحب نظران و اقتصاددانان قرار گرفته است. زمینه پیدایی این توجه و گرایش تحقیق و تتبع برای پیدا کردن حلقه مفقوده و راه و رمز توسعه اقتصادی و تحقق بخشیدن به تعریف و مفهوم علم اقتصاد است.

□ الف- در چند دهه اخیر، نظریه توسعه انسانی برجستگی خاصی یافته و متخصصین بنام علم اقتصاد، کلید موفقیت در توسعه را تربیت نیروی انسانی دانسته اند. در این زمینه «گالبریت» می گوید: «گفته اند عوامل بازدارنده در توسعه عبارت است از ناآشنایی با شیوه های نوین علمی و فنی،

کمبود سرمایه، کمبود کارشناسان شایسته، نداشتن برنامه های هماهنگ و مناسب برای بهره برداری از عوامل مختلف و گفته اند که برای درمان این دردها، باید از کشورهای پیشرفته کمک فنی گرفت، باید اعتبار گرفت، باید جوانان را برای تحصیل علوم و فنون تازه به فرنگ فرستاد، باید برنامه های

مقایسه هزینه های سرانه جاری: عملکرد، پیش بینی برنامه و مطلوب آموزش ابتدائی (به ریال)

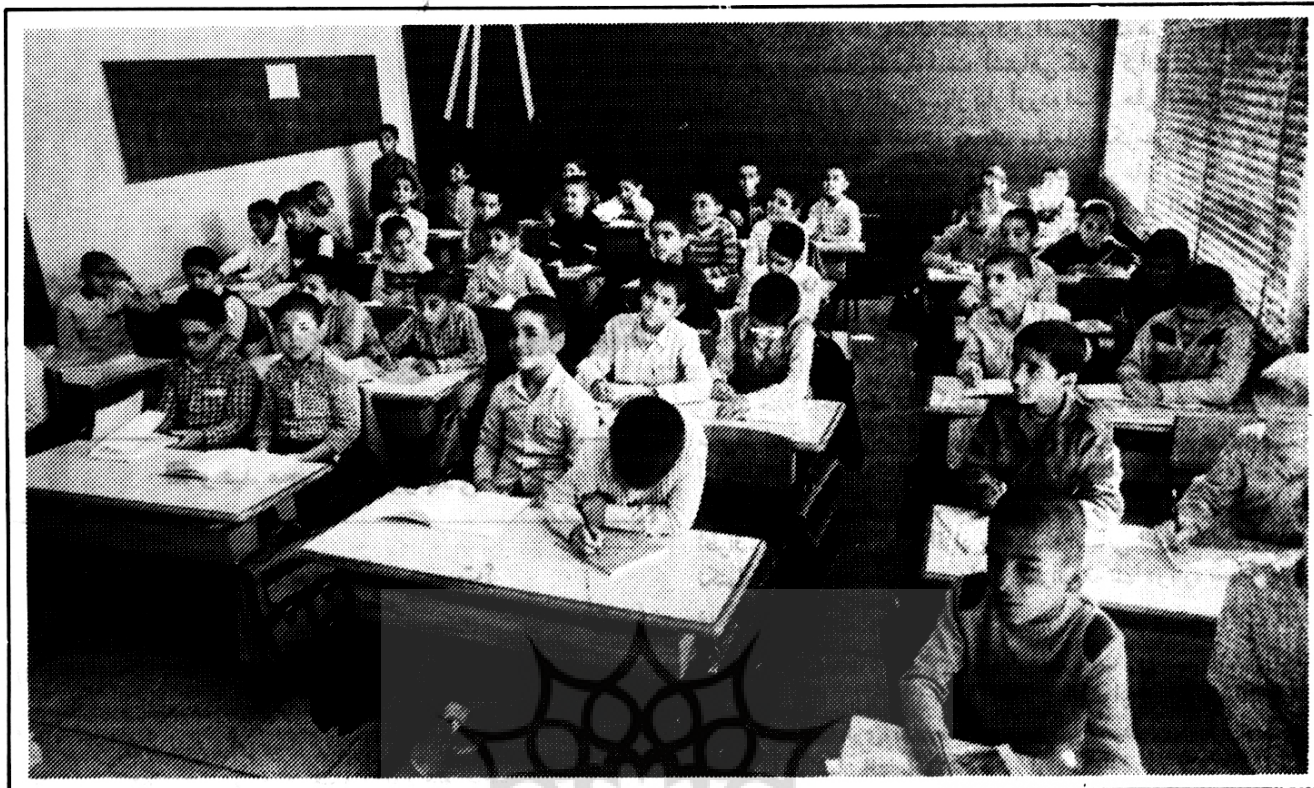
سال	تعداد دانش آموزان ابتدائی (عملکرد)	تعداد دانش آموزان ابتدائی (طبق برنامه)	هزینه سرانه جاری (عملکرد)	هزینه سرانه جاری (طبق برنامه)	هزینه سرانه جاری مطلوب
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
۱۳۶۷	۸۳۰۴۲۵۱	۸۳۰۴۰۰۰	۴۰۱۷۲	۴۱۲۱۷	۱۷۴۱۴۶
۱۳۶۸	۸۸۶۰۰۹۹	۸۸۶۵۰۰۰	۴۰۶۲۰	۴۰۹۵۰	۲۰۱۸۵۸
۱۳۶۹	۹۳۶۹۶۴۶	۹۳۳۷۰۰۰	۴۶۱۶۰	۴۹۸۴۰	۳۱۵۹۳۹
۱۳۷۰	۹۷۸۷۵۹۳	۹۸۴۶۰۰۰	۶۱۰۵۸	۵۲۵۱۳	۳۴۳۶۵۰

(۱) وضع موجود وزارت آموزش و پرورش.

(۲) پیش بینی در برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

(۳) با استفاده از هزینه های پیش بینی شده برای مقطع ابتدائی در برنامه محاسبه شده است. ستون ۳ و ۴ هزینه سرانه جاری امور آموزشی و پرورشی است. یعنی هزینه های مشترک امور تربیتی، کمک آموزشی و ورزش در مدارس هم با ضریب ۵۵٪ به هزینه های آموزش ابتدائی اضافه شده است.

(۵) با استفاده از استانداردهای مطلوب و هزینه های مدرسه رشد، بعنوان الگوی آموزش توسعه ای، محاسبه شده است. به دلیل نبودن اطلاعات، سال تحصیلی با سال مالی تطبیق داده شده است.



می‌دهند، این افراد دارای ویژگیهای زیر هستند: «با ارزش‌ترین سرمایه آنست که در کار تعلیم و تربیت افراد بشر صرف شود.»^۶

همچنین پرفسور «شولتز» از کمکهای فزاینده آژانسهای بین‌المللی در جهت سرمایه‌گذاری در آموزش ابتدائی در کشورهای کم درآمد حمایت می‌کند و در عین حال بر این باور است که در سرمایه‌گذاریهای آموزشی باید به مسئله ابداع و نوآوری در تمهیدات و مقررات نهادی و سازمانی اولویت داد. او نتیجه می‌گیرد که بازگشت سرمایه‌گذاری در آموزش ابتدائی که نه تنها از نرخهای مشابه در آموزش متوسط و عالی بالاتر است بلکه از نرخ بازگشت در سرمایه‌گذاریهای فیزیکی نیز بیشتر است.^۷

سالهای متعددی عامل اصلی توسعه، سرمایه بود. تا اینکه سرمایه انسانی مورد توجه صاحبانظران واقع شد و جای خود را در برنامه‌های اقتصاد باز کرد. امروز سرمایه مادی و سرمایه انسانی لازم و ملزوم همدیگر شناخته شده و بسیج این دو است که اهداف توسعه را تحقق می‌بخشد. هیچ ماشینی بدون وجود نیروی انسانی شایسته نمی‌تواند کار مؤثر انجام دهد.

دلیل توجیهی برای سرمایه‌گذاری در آموزش در بانک جهانی این بود که آموزش نه تنها یکی از حقوق اولیه و اصلی انسانها است، بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و در صورتی که برنامه‌ریزی آن به شایستگی انجام پذیرد، می‌تواند بازده اقتصادی زیادی، به ویژه در کشورهای فقیر داشته باشد.^۸

در اوایل دهه ۱۹۶۰ آموزش به عنوان «حق اساسی بشر» شمرده می‌شد که بیشتر جنبه مصرفی داشت. اما ارزش آموزش به عنوان سرمایه‌گذاری که می‌تواند ظرفیت تولیدی آینده را افزایش دهد، به تدریج شناخته شد.

بطوریکه وقتی اولویت‌ها برای تخصیص منابع مشخص می‌شود، هر دو این اهداف مورد توجه است.

پس قبل از ورود به مرحله تکنولوژی باید در بعد فرهنگی و آموزشی

ریسک‌پذیری متعادل، پرنرزی و فعال بودن، مسئولیت‌پذیر بودن، آگاه

به نتایج تصمیمات، دارای قدرت پیش‌بینی و ارزیابی احتمالات آینده، قدرت سازماندهی.^۳

اما کارآفرینان را نباید همانند قماربازان تلقی کرد. زیرا قمارباز در شرایط پرریسک‌تری عمل می‌کند و کنترلی بر نتایج کار خود ندارد و صرفاً بر قانون قمار و احتمالات متکی است و مهارت و کوشش و تصمیم‌گیری او در نتیجه کارش مؤثر نیست.

بنابراین یک کارآفرین، نه به صورت یک مدیر سنتی در شرایط اطمینان بدون ریسک، کار تعریف شده و دارای نتیجه مشخصی را انجام می‌دهد و نه به صورت یک قمارباز «باریسک بی‌نهایت» عمل می‌کند.^۴

□ ب - مورد دوم تحقق و عینیت بخشیدن به تعریف و مفهوم علم اقتصاد یعنی تخصیص بهینه منابع است. «هل سامونلسون» اقتصاددان امریکائی علم اقتصاد را اینگونه تعریف می‌کند:

«علم اقتصاد عبارت است از بررسی روشهایی که بشر با وسیله یا بدون وسیله پول، برای بکار بردن منابع کمیاب تولید، به منظور تولید کالاها و خدمات در طی زمان و همچنین برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروهها در جامعه به منظور مصرف حال و آینده انتخاب می‌کند.»^۵

با توجه به تعریف علم اقتصاد که فلسفه وجودی و شکل‌گیری آن کمبود منابع است و باید این منابع کمیاب بطور بهینه تخصیص یابد، لزوم تفکر و تعمق در انتخاب بهترین و مناسب‌ترین استراتژی برای رسیدن به توسعه با توجه به مقتضیات زمان احساس می‌شود.

با توجه به این نکات، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین و اقتصادی‌ترین سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در آموزش توسعه‌ای است. در همین رابطه «الفرد مارشال» معتقد است:

کارگران ژاپنی محصول سیستم خوب آموزشی ژاپن هستند که خوب و سخت کار می‌کنند، به کارشان وفادارند و تحصیلات مورد نیاز برای کارشان را گذرانده‌اند.

■ هزینه سرانه آموزش توسعه‌ای

هزینه سرانه آموزش توسعه‌ای در سطح مطلوب در ایران ۴۱۰۲۳۶ ریال برآورد شده است.

در سال ۱۳۶۹ بایستی از مجموع هزینه سرانه ۴۹۸۴۰ ریال صرف هزینه‌های جاری آموزش و پرورش می‌شد. درحالی‌که هزینه صرف شده به صورت سرانه از ۴۶۱۶۰ ریال فراتر نرفت. در همین سال اگر قرار بود امکانات آموزشی برابر مشخصات آموزش توسعه‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرد، باید حدود ۳۱۵۹۳۹ ریال صرف هزینه‌های جاری می‌شد به این ترتیب فاصله زیاد بین هزینه‌های جاری آموزش ابتدائی موجود و مطلوب را می‌توان شاهد بود. درحالی‌که شرط نخست دستیابی به توسعه اقتصادی نزدیک یا منطبق کردن فاصله بین این دو منحنی است. اقتصاددانان توسعه عقیده دارند که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از هزینه‌ها باید غیر پرسنلی باشد درحالی‌که آمارهای موجود در ایران رقمی حدود ۸۹ تا ۹۰ درصد هزینه‌های پرسنلی را نشان می‌دهد.

■ نتیجه گیری

۱- عامل بسیار مهم در توسعه اقتصادی، حاکم ساختن روح علمی بر جامعه، بکارگیری توان جامعه در جهت تقویت سرمایه انسانی، محور قرارداد نظام آموزشی و تأکید بر کیفیت و سازگاری نظام آموزشی با نیازهای توسعه است (آموزش توسعه‌ای).

۲- هزینه سرانه آموزش ابتدائی توسعه‌ای به قیمت سال ۱۳۷۱ حدود ۴۱۰۲۳۶ ریال است که در صورت واگذاری به بخش خصوصی، حدود ۴۶۳۵۶۶ ریال برآورد می‌شود. همچنین هزینه سرانه خانوار برای این نوع آموزش با توجه به الگوی توزیع درآمد و مصرف در کشور در سال ۱۳۶۸ برای هر دانش‌آموز ۵۲۲۹۴۹ ریال برآورد شده است.

۳- فاصله بین دو منحنی هزینه سرانه جاری موجود و مطلوب بسیار زیاد است. بدیهی است برای دستیابی به هدف‌های توسعه باید منحنی آموزش موجود بر آموزش مطلوب منطبق شود.

■ زیر نویس:

- عبدالله جیروند، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، چاپ سوم انتشارات مولوی، تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۱۹۵.
- همان.
- فریبا لطیفی، مدیران مالی و ریسک‌پذیری، مجله تدبیر، شماره ۹.
- همان.
- سامونلسون - پل، «اقتصاد» ترجمه حسین پیرنیا، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد ۱، ص ۶.
- Marshall, Alfred, Principles of Economics' London, Mcmillan & Co, 1908.
- Schultz Theodore. W. Investment in Human Capital the American Economic Review, March 1961- p.p.1-17.
- جرج ساخار و پولوس، مورین و ودهال، آموزش برای توسعه، ترجمه پردخت وحیدی و حمید سهرابی، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشرنی چاپ اول، ۱۳۷۱.
- همان.

سرمایه‌گذاری جدی به عمل آورد. کشورهای جهان سوم باید در پی پرورش مغزهای خلاق و دست‌های توانا باشند تا بتوانند به توسعه آگاهانه برسند. برای این کار باید از آموزش و پرورش شروع کرد. چرا که آموزش و پرورش سنگ زیر بنای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی هر جامعه است. کلید توسعه را باید در لاپلای انگشتان معلمان جامعه جستجو کرد. آموزش و پرورش باید بدانند به دانش‌آموز چه می‌آموزد و برای چه می‌آموزد؟ می‌خواهد در شخصیت آینده‌سازان چه صفاتی را تعبیه کند و در انجام این مهم از چه روشها و امکاناتی استفاده می‌کند؟

آموزش توسعه‌ای با توجه به تعریف توسعه اقتصادی که «فرایند تحول میان علمی - فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن است» از بحثهای محوری سیاستگذاری اقتصادی است. اما باید دقت داشت که منظور از آموزش توسعه‌ای و اهمیت آموزش، آموزش کنونی نیست و آموزش به عنوان سرند یا صافی - در ادبیات اقتصادی، مدرک‌گرایی یا «فرضیه سرند» - بسیار مضر و از مقوله بحث آموزش توسعه‌ای خارج است.

آموزش توسعه‌ای به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که مستقیماً معطوف به انتقال دانش و فن مدرن به بطن و هسته فعالیت‌های تولیدی، جامعه است. آموزش توسعه‌ای در مراحل اولیه توسعه الزاماً به صورت عمده معطوف به انتقال تکنولوژی و درون‌زا کردن آن است از اینرو مبنائی ترین آموزشها در این مراحل، آموزشهای فنی و حرفه‌ای در سطوح مختلف تحصیلی است. آموزشهای عمومی و نظری باید در این راستا به صورت حوزه‌های تبعی از آموزشهای فنی و حرفه‌ای طراحی و اجرا شود.^۹ آموزش کلاً دو نوع است: آموزش رسمی و آموزش غیر رسمی. آموزش رسمی نیز دو نوع است: آموزش‌های فنی حرفه‌ای و آموزشهای عمومی. در تمامی این آموزشها باید تأکید بر آموزش توسعه‌ای باشد.

پایه‌ای و کلیدی ترین آموزشها، آموزش فنی و حرفه‌ای یا حرفه و فن است که باید در تمامی مقاطع توجه جدی و اساسی به آن بشود. اگر هدف، درون‌زا کردن تکنولوژی است، راهی جز شناخت تکنولوژیهای روز وجود ندارد. نیاز و توان کشور را باید درک کرد و این هدف مستلزم مسلح بودن نیروهای متخصص و تمامی دانش‌آموزان، فارغ‌التحصیلان و کارگران و کارکنان کشور به فن و حرفه‌های مختلف است. «از نظر آموزشهای فنی و حرفه‌ای، وجود حداقل شش رده اصلی نیروی انسانی توسعه‌ای در فرایند سالم توسعه اقتصادی الزامی است:

- ۱- نیروی کار انسانی متفکر علمی.
 - ۲- نیروی انسانی نوآور فنی.
 - ۳- نیروی انسانی نوآور اقتصادی.
 - ۴- نیروی انسانی متخصص رده بالای بهره‌برداری.
 - ۵- نیروی انسانی متخصص رده‌های میانی بهره‌برداری.
 - ۶- نیروی انسانی متخصص سیاستگذاری و هدایت امور عمومی.^{۱۰}
- نقش دولت در سه ردیف اول بسیار مهم و ریشه استقلال به آنها وابسته است. اما دولت عملاً به ردیف‌های ۴ و ۵ می‌پردازد و این حرکت در روند توسعه اثر معکوس باقی می‌گذارد.

آموزشهای عمومی صرفاً باید آموزشهای توسعه‌ای و هدفدار باشد. به آموزش‌های عمومی تا اواخر دوره راهنمایی بایستی اهمیت داد.

بیشرفت سریع اقتصادی ژاپن علاوه بر اندیشه‌های اقتصادی، مرهون خصوصیات فردی و اجتماعی ژاپنی‌هاست که در همین سنین شکل گرفته و آنان را سخت‌کوش، نظم‌پذیر، برخوردار از روحیه قناعت‌پذیری، جمع‌گرا، مطیع نه از روی ترس بلکه از روی احترام، آگاه، برخوردار از وجدان کار و... ساخته است.